

به نام هستی بخش

شما عظیم‌تر از آنی هستید که می‌اندیشید (۷)

ملا نصرالدین زندگی خویشتنیم

برداشت‌های روان‌شناسانه

از طنزها و لطایف ملا نصرالدین

مؤلف:

مسعود لعلی



فهرست

۸۴	پرتوقی	نه	مقدمه
۸۶	غیرواقع‌بینی		فصل اول: تبیین جایگاه اعتماد به نفس
۸۸	دُم خروس یا قسم حضرت عباس	۱۳	و عزت نفس
۸۹	خودمحوری	۱۵	قدرت «چیست؟»
۹۲	عشق بی‌قید و شرط	۳۴	عزت‌نفس و اعتماد به نفس و نظریه قدرت
۹۵	معیار دوستان دغل روز حاجت است		
۹۷	همدلی و تفاهم		فصل دوم: عزت نفس و پیامدهای
۹۹	مردم اندر حضرت درک درست	۴۵	رفتاری ناشی از آن
۱۰۰	زندگی گرمی دل‌های بهم پیوسته است	۴۷	۱ - خودکم‌بینی
۱۰۷	۳ - خودبزرگ‌بینی و خودنمایی	۴۹	خودکم‌بینی
۱۰۹	خودبزرگ‌بینی	۵۲	قهemann زندگی کسی باشد
۱۱۴	خودنمایی	۵۵	بیماری به همه حق دادن
۱۱۶	لاف زدن	۵۷	صراحت گفتار
۱۱۷	سکوت، قدرت است	۵۹	راهبرد انتساب
۱۲۰	غرور علمی	۶۲	خودباختگی
۱۲۳	تحقیر	۶۵	از خود بیگانگی
۱۲۶	خرده‌گیری	۶۶	تقلید
۱۳۰	فروتنی	۶۷	دهن‌بینی
۱۳۲	تواضع و تکبر در کلام عرفا	۷۱	چشم و همچشمی
۱۳۵	۴ - خودکامگی	۷۳	۲ - خودخواهی
۱۳۷	قدرت‌طلی	۷۵	خودخواهی
۱۴۲	تهدید و ارعاب	۷۷	بخل
۱۴۶	انتقادناپذیری		همان فرد ایده‌آلی شوید که دوست دارید
۱۵۳	خودکامگی و بدیینی	۷۹	با او ازدواج کنید
۱۵۴	ریشه‌های اعتماد و بی‌اعتمادی	۸۱	دوست داشتن یا دوست داشته شدن؟

مقدمه

... دختر ملا گریه کنان پیش او آمد و گفت: «شوهرم مرا کنک زده». ملا چوبی برداشت و دخترش را چوبکاری کرد و گفت: «حالا برو به شوهرت بگو اگر دوباره دختر مرا زدی، من هم زنت را می‌زنم».

فقط ذکر نام «ملانصرالدین» کافی است تا قصه‌های خنده‌دار توأم با لودگی و حُمق، بلاهت و در عین حال سرشار از حکمت عامیانه به‌ذهن متبار شود. لطیفه‌هایی که به ملانصرالدین نسبت داده شده است، در طول سالیان بین اقوام مختلف دهان بدھان گشته (ادبیات شفاهی) و در بیشتر کشورها نشر و رواج یافته است. در ترکیه، عراق، افغانستان، رومانی، صربستان، کریمه، ماورای قفقاز و خیلی جاها مردم این شخصیت عامی و با مزه را می‌شناسند و با شنیدن شیرین کاری‌هایش خستگی از تن به‌در می‌کنند. در داغستان و بین ارمنه و یهودیان هم او معروف است. لطیفه‌های ملانصرالدین حتی در آمریکا هم آوازه‌ای دارد و در یک کلام در بیشتر نقاط مردم را می‌خنداند.

ترکها او را «خوجا» می‌نامند و می‌گویند به‌متعلق دارد. «عرب‌ها او را «جُحا» یا «جُحی» می‌گویند و خود را صاحب بلا منازع او می‌دانند. «جُحی نام مردی عرب است که در زمان مهدی خلیفه عباسی در کوفه می‌زیسته و در بلاهت و مسخرگی یا تظاهر به‌حماقت به‌او مثل زدن و نیز می‌گویند مردی ترک بوده و در زمان تیمور لنگ معروف به‌جُحای رومی بوده که از او حکایات خنده‌آور نقل کرده‌اند».

اما فارس‌ها هم او را ملانصرالدین می‌خوانند و می‌گویند ایرانی است. موضوع و مسئله شخصیت ملانصرالدین بسیار مورد توجه محققان قرار گرفته است. در ترکیه عده‌ای محقق درباره زندگی و منش کارهایش مشغول

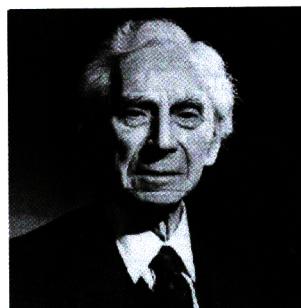
سوء ظن.....	۱۵۶
آزادی.....	۱۵۸
از جاذبه عشق تا دافعه ضعف.....	۱۶۲
خداوند آزادی را آفرید و بشر بندگی را ..	۱۶۵
از آزادی تا آزادگی.....	۱۶۷
ترس از اشتباه کردن بزرگ‌ترین	
اشتباه است.....	۲۰۷
تفکر خلاق ثروت است.....	۲۰۸
خلاقیت همان توقف ناگهانی	
حمق است.....	۲۱۰
چیزی به‌نم مسئله لایحل وجود ندارد.	۲۱۲
داشتن صبر ثروت است.....	۲۱۵
مسئولیت‌پذیری ثروت است.....	۲۱۹
بهانه‌جویی.....	۲۲۱
در اگر نتوان نشست.....	۲۲۳
دوست و دشمن.....	۲۲۵
آمادگی برای تغییر ثروت است.....	۲۲۸
انسان‌های کهنه، زمانه نو.....	۲۳۲
از تغییر نرسید.....	۲۳۳
پیش‌بینی.....	۲۳۵
انعطاف و انطباق.....	۲۳۹
رشد و تعالی ثروت است.....	۲۴۲
خودشکوفایی ثروت است.....	۲۵۰
پدر و مادر خویشتنیم.....	۲۵۱
فصل سوم: الگوهای ذهنی اعتقاد	
به نفس.....	۱۶۹
فرق بین ثروت و پول را بدانید	۱۷۱
اعتقادات مثبت و مؤثر ثروت است.....	۱۷۷
تغییر خود مهم‌تر از تغییر محیط است .	۱۷۹
داشتن هدف و برنامه ثروت است.....	۱۸۲
برنامه‌ریزی	۱۸۴
کلان‌نگری.....	۱۸۶
شور و اشتیاق بزرگ‌ترین دارایی دنیاست	۱۹۰
از زمان مانند اموال تان مراقبت کنید ...	۱۹۵
استفاده از تجربه دیگران ثروت است ...	۱۹۸
نکوهش تقلید ناآگاهانه	۲۰۱
اشتباهات بخشی از روند یادگیری‌اند ...	۲۰۳

«قدرت» چیست؟

نزدیک به یک سال است که موضوع «قدرت» تمام ذهن و فکر مرا به خود مشغول کرده است: قدرت چیست؟ مؤلفه‌های آن کدام است؟ انسان قوی چه کسی است؟ چه ویژگی‌ها و خصوصیات رفتاری و احساسی دارد؟ چگونه می‌تواند به قدرت برسد؟ کسب قدرت منجر به چه نتایج و ثمراتی می‌شود؟ آیا رابطه‌ای میان مفهوم قدرت در سیاست، فلسفه، جامعه‌شناسی، مذهب و روان‌شناسی وجود دارد؟

در این مدت تلاش کرده‌ام با کنکاش پیرامون این مفهوم یک نظریه جامع در مورد «قدرت» ارائه دهم. هر چند در این کتاب قصد ندارم به مسئله قدرت بپردازم، اما با توجه به اینکه این موضوع ساختار و شاكله اصلی تفکر و اندیشه مرا تشکیل داده است، تمام مباحث و موضوعات دیگر را در این چهارچوب بررسی و مطرح می‌کنم.

لازم می‌دانم قبل از هر چیز با ارائه توضیحی هر چند مختصر از نظریه قدرت، جایگاه دو موضوع این کتاب را در آن چهارچوب تشریح و بررسی کنم. و بگوییم عزّت نفس و اعتماد به نفس – که دو محور اساسی این کتاب را تشکیل می‌دهد – چه ارتباط و موقعیتی با موضوع قدرت دارند.



در علوم اجتماعی مفهوم اساسی عبارت است از قدرت؛ بهمان صورت که در علم فیزیک مفهوم اساسی عبارت است از «انرژی».

برتواند راسل

- ۱- نیازهای مادی (فیزیولوژیک)
- ۲- نیازهای روانی

۱- نیازهای فیزیولوژیک

انسان به عنوان یک ارگانیسم زنده و صاحب کالبد جسمانی دارای مجموعه نیازهایی است. او احتیاج به غذا، آب، اکسیژن و... دارد تا بدین وسیله بقايش حفظ و تضمین شود. این نوع از نیازها را نیازهای زیستی و پایه می‌نامند و تعبیر برخی از منابع از این‌گونه نیازها، نیازهای حیوانی است، زیرا بین انسان و حیوان در این زمینه اشتراکاتی وجود دارد.

**زندگی در منطقه داشتن (to have)
داشتن یا نداشتن، مسئله این است»**

به این مرحله از تلاش انسان که به رفع نیازهای زیستی و مادی اش محدود می‌شود مرحله «داشتن» می‌گوییم. چراکه در این قسمت تمام تلاش و تکاپوی او صرف به دست آوردن و داشتن می‌شود: داشتن خوراک، پوشاش، سرپناه، شریک جنسی (نیازهای جنسی جزء نیازهای زیستی است)، و در یک کلمه داشتن دارایی. و پول... پول از این لحاظ اهمیت دارد که به عنوان مهم‌ترین عامل در تهیه ابزار رفع نیازهای زیستی شناخته می‌شود.

در این مرحله زندگی انسان در چهارچوب رفع نیازهای جسمانی اش معنی و مفهوم پیدا می‌کند. به‌زعم کسانی که در مرحله داشتن قرار دارند، «قدرت»، یعنی مالکیت. کسب هر چه بیشتر ثروت، «امنیت»، به وجود می‌آورد. امنیت در این بخش به‌شکل مادی و فیزیکی (حفظ جان و سلامت) تعریف می‌شود.
«خوبشختنی» به معنای بیشتر داشتن است، به صورتی که فرد احساس

پسنهانی‌ها به ضد پیدا شود^۱

از آنجا که براساس قانون تضاد هر چیزی را با ضد آن می‌توان شناخت، درک مفهوم قدرت را با بررسی مسئله «نیازها و ضعف» آغاز می‌کنم. با شناخت و درک نیازهای انسان می‌توان به‌فهم عمیق از قدرت به‌معنای اصلی آن نایل آمد. علم روانشناسی دانش تحلیل رفتار است. شاید بزرگ‌ترین دغدغه این علم، کشف و بررسی دلایل شکل‌گیری رفتار انسانی است: آیا ما موجوداتی آزاد، صاحب اراده و مختار هستیم یا اسیر نیروهای پنهان درونی و ناخودآگاه، جبر ژنتیکی، تاریخچه شخصی، مقتضیات زمان و مکانی که در آن زندگی می‌کنیم. سؤال اساسی در روانشناسی انگیزشی این است که چه نیروها و دلایلی ما را به‌سمت انجام اعمال خاصی سوق می‌دهند؟ براساس نظریه نیازها، انسان دارای خواسته‌هایی است. او دائمًا در تلاش است که آنها را محقق کند. کلید درک چرایی رفتار انسان، درک نیازها و امیال اوست. وقتی حرکت انسان بر بنیاد رفع نیازهایش استوار است سؤال مهم این خواهد بود که نیازهای او چه چیزهایی است؟

طبقه‌بندی نیازها

مکاتب روانشناسی براساس دیدگاه‌ها و اصول اولیه خود دست به طبقه‌بندی و نظریه‌پردازی در زمینه نیازهای انسانی زده‌اند، اما به‌نظر می‌رسد که می‌توان کلیه نیازهای انسان را در دو گروه عمدۀ و اساسی گنجاند.